

نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی:

بهره‌گیری از ظرفیت های فرهنگی مشهد نیازمند مطالبه‌گری است

شکیبا اخمئی‌راد

گپ و گفت

نماینده مردم مشهد و کلات و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در بازدید از روزنامه شهرآرا از کم توجهی مسئولان مشهد به ظرفیت های فرهنگی و بین المللی این شهر انتقاد کرد.

- ضرورت پیش گام شدن سه نهاد مهم

حجت الاسلام والمسلمین حسنعلی اخلاقی امیری با اشاره به ظرفیت های گسترده فرهنگی، اجتماعی و گردشگری مشهد بیان کرد: ما مشهد را در سخن «جهان شهر»، «کلان شهر» و «شهر فرامی» می‌نامیم، اما واقعیت این است که هنوز خودمان این ظرفیت را باور نکرده ایم. وی افزود: سالانه حدود چهار میلیون نفر غیرایرانی به‌طور مستقیم از طریق فرودگاه شهید هاشمی نژاد وارد مشهد می‌شوند و پس از زیارت و اقامت، از همین شهر خارج می‌شوند؛ این افراد معمولا به شهرهای دیگر کشور هم نمی‌روند. بنابراین خود مشهد باید برای استفاده از این ظرفیت گام نخست را بردارد.

اخلاقی امیری با اشاره به مسئولیت نهاد های مختلف در مدیریت ظرفیت های شهر

مشهد نیز گفت: در مشهد سه مجموعه مهم مسئولیت دارند. استانداری که معاونت زیارت نیز در آن فعال است، مدیریت شهری و همچنین آستان قدس رضوی. این نهادها باید پای کار بیایند.

- نبود مطالبه برای دریافت بودجه فرهنگی
- نماینده مردم مشهد و کلات در بخش دیگری از صحبت هایش بیان کرد: امام رضا^(ع) ظرفیت مذهبی مشهد را پاسخ می‌دهد، اما ما نتوانسته ایم از سایر ظرفیت های این شهر در حوزه های مختلف استفاده کنیم.
- اخلاقی امیری درباره اختصاص بودجه های ملی به حوزه فرهنگ و هنر مشهد نیز گفت، بیش از دو سال است که نماینده این شهر هستیم، اما تاکنون نه شهردار، نه استاندار، نه عضوی از شورای شهر و نه مدیرکلی در این زمینه از من تقاضایی نکرده است.

وی افزود: مادر مجلس برای پیگیری و تخصیص بودجه آمادگی داریم، اما متولی پیگیری موضوع در سازمان برنامه و بودجه چه کسی است؟ رئیس سازمان برنامه و بودجه استان باید این موضوع را ببذیرد و پیگیری کند تا اساسا فرایند تخصیص بودجه آغاز شود.

این نماینده مجلس با اشاره به ظرفیت

بودجه های توازن نمایندگان استان اظهار کرد: اکنون حدود پنج نماینده مشهد و هجده نماینده استان، هرکدام بودجه توازن در حدود ۲۰۰ میلیارد تومان در اختیار دارند. در مجموع رقم قابل توجهی در اختیار نمایندگان است و اولویت ها نیز توسط آنان تعیین می‌شود، اما سؤال این است که پس از تعیین اولویت، چه کسی باید پیگیر اجرای آن باشد؟

- خدمت به مشهد یعنی خدمت به کل کشور
- اخلاقی امیری با اشاره به پیگیری های خود در مجلس برای تقویت جایگاه مشهد گفت: دو بار در مجلس سخنرانی و تأکید کرده‌ام که همه استان های کشور را باید صحن های حرم امام رضا^(ع) دانست، یعنی اگر امروز در مشهد خدمتی ارائه می‌کنیم، این خدمت فقط متعلق به مشهدی ها نیست، بلکه برای همه کشوراست. وی ادامه داد:

خوشبختانه توانسته ایم این نگاه را تا حدودی در سطح

ملی جا بیندازیم، اما برای

تبدیل این نگاه به اقدام

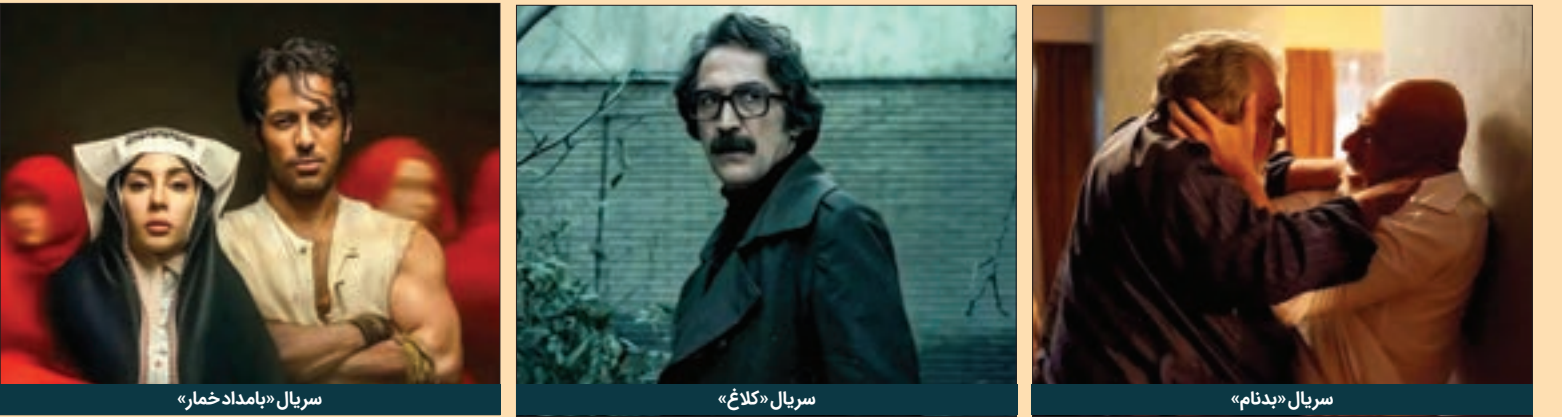
عملی، همراهی و پیگیری

مدیران استانی ضروری

است.

به وقت فروپاشی

درنگی در باب وارونگی بدیهیات اخلاقی در سریال های شبکه نمایش خانگی



محمد عنبرسوز

درنگ

پیش از دوده‌ها از آغاز فعالیت شبکه نمایش خانگی در ایران می‌گذرد و این رسانه، به وضوح، از روزهای اوج خود فاصله دارد. اصرار بر تکرار الگوهای امتحان پس داده و فقدان خلاقیت در فرم و محتوا، به ناتوانی سریال های خانگی در کشف جهان های تازه منجر شده است و بخشی از سازندگان این سریال ها، برای جبران کاستی های ساختاری آثار خود، خرق عادت و وارونه سازی اخلاقیات عمومی را، به مثابه یک راه میانبر برای موفقیت، انتخاب کرده اند. نتیجه این رویکرد، نزدیک شدن خطرناک درام های شبکه خانگی به الگوهای عامه پسند سریال های ترکی است؛ آثاری که سال هاست بر محور مثلث های عشقی در زندگی های اشرافی، به کار خود ادامه می دهند.

- زاویه روایت

در بین پژوهشگران و منتقدان آثار نمایشی، این گفته مشهور است که «اساسا هیچ موضوع ممنوعه ای در درام وجود ندارد و درباره هر موضوعی می توان فیلم و سریال ساخت، اما مسئله مهم، نحوه و چگونگی پرداختن به آن موضوع است». بدبختانه، منتقدان کلاسیک محصولات سینمایی و پلتفرمی در ایران، اغلب تولیدات نمایشی را با از روی ظواهر قضاوت می‌کنند و یا بر حسب کلیت موضوع و یا تمسک به استدلال نخ نما و مندرس «مگر چند درصد مردم ایران این طور هستند؟»، مسیر تحلیل را به بیراهه می برند.

بر اساس قواعد درام اما، از ضرورترین شخصیت ها هم می توان فیلم و سریال ساخت، حتی اگر احتمال حضورشان در فضای حقیقی، کم رنگ باشد یا اصلا هیچ مابه ازایی در جهان واقع نداشته باشد. فیلم و سریال ساختن درباره آسیب های اجتماعی مختلف نیز از اعتیاد و خشونت خانگی گرفته تا خیانت، فساد و فروپاشی خانواده، نه تنها رواست، بلکه بخشی از رسالت هنرمند محسوب می شود. مسئله اصلی اما، این است که دوربین، روایت و زبان درام کدام شخصیت را حمایت می‌کنند و از چه زاویه ای به روایت موضوع می پردازند. درام، صرفا واقعیت را بازنمایی نمی‌کند، بلکه با انتخاب زاویه دید، میزانسن، قاب بندی، نریشن، تدوین، موسیقی و به طور کلی ساختار روایت، به ذهن مخاطبان خود جهت می دهد. درست از همین نقطه است که اخلاق سینمایی معنا پیدا می کند.

- منوعیت قضاوت اخلاقی

در سال های اخیر، بخشی از سازندگان

سریال های خانگی، به منظور جنجال آفرینی و وایرال شدن، با وارونه سازی هنجارها، ترتیبی اتخاذ می‌کنند که خرق عادت هایی چون آمیز جنسی، خشونت های فیزیکی و تهدید و ترس، در حالی که برای این رفتارهای خلاف اخلاق و حتی مجرمانه، توجیهات ریز و درشتی می تراشند و تمام این مناسبات را در بسته بندی شیکیز بازنمایی بصری می‌گنجانند که برآیند آن چیزی جز ترویج بی اخلاقی نیست.

شبکه نمایش خانگی این روزها (به جز موارد استثنایی همچون «وحشی») حتی علاقه ای ندارد که قضاوت را به عهده مخاطب بگذارد. در واقع، اغلب محصولات این رسانه، خودشان طرح مسئله می‌کنند. خودشان درام را توسعه می دهند، خودشان ضداخلاق را ترویج می‌کنند. خودشان برای رفتارهای غیراخلاقی قهرمانان‌شان توجیهات سطلمی دست و پا می‌کنند و در نهایت هم خودشان قضاوت اخلاقی را تکمیل می‌کنند و به خورد مخاطب می دهند. این دقیقا همان نقطه ای است که درام، از رسالت خود فاصله می‌گیرد و به بازتولید ارزش های وارونه مشغول می شود.

- اخلاق عاشقانه

از این منظر، امسال را شاید بتوان یکی از عجیب ترین سال های شبکه نمایش خانگی، از منظر تغییر لحن قصه ها در فاز اخلاقی، دانست، به جز دو سه مورد استثنا. تقریبا همه سریال های پلتفرمی امسال با علامت سؤال های بزرگ اخلاقی مواجه بوده اند و پخش آن ها باعث ایجاد حساسیت هایی در بین بخشی از مخاطبان شده است.

این روند، از زمان پخش قسمت پایانی سریال «بی عاطفه»، شیب تندتری پیدا کرد، جایی که کسی نفهمید چرا شخصیت عاطفه که در ازدواج با مرد موردعلاقه اش ناکام مانده بود، ظرف فقط سه ماه، تصمیم گرفت با مرد دیگری ازدواج کند که هیچ علقه ای به او نداشت، اما درست سر سفره عقد، به نامزد قبلی خود تلفن کرد تا او صدای «بله» گفتنش را بشنود. این یعنی شخصیت سفید قصه، در حالی که دل در گروی فردی دیگر دارد، به یک ازدواج بی منطق تن می دهد و عزمی هم برای فراموش کردن رابطه قبلی اش در او دیده نمی‌شود؛ رفتاری نامعقول که کاملا برخلاف ابتدایی ترین منطق حاکم بر پیوند های عاطفی است.

- خیانت در بسته بندی شیک

در سریال «کلاغ»، به کارگردانی محمد حسین مهدویان، که طی ماه های اخیر پای ثابت چهره‌شبه های شبکه نمایش خانگی بود، با ماردی به نام جلال روبه رو بودیم که با وجود متاهل بودن و داشتن سه فرزند، عاشق دختری هم سن وسال فرزند خودش

شد، همسر پنهانی اش را باردار کرد و عزم جزم کرده بود برای قربانی کردن همه چیز و همه کس به پای این هوس دیوانه وار که مهدویان آن را به عنوان عشقی زلال، به مخاطب قالب کرد. عجیب اینکه تمام قصه سریال «کلاغ»، با همدلی تمام، از زاویه دید همین شخصیت خیانتکار و با بهره گیری از نریشن هایی در قالب روایت اول شخص، پیش رفت. در این اثر، دوربین اغلب طوری قرار می‌گرفت که این مرد شرور را به عنوان جوانی عاشق پیشه و گرفتار در دام زنی دیوصفت و پدزن ساواکی و مستبدش تصویر کند. برای نمونه، سکانسی که جلال صراحتا به همسرش می گوید: «من عاشق شده ام!»، می تواند یکی از وقیحانه ترین سکانس های تاریخ شبکه نمایش خانگی از منظر اخلاقی لقب گیرد. در نهایت هم، یک انتحار قهرمانانه از سوی جلال، پایان بخش پیرنگ ناهنجار «کلاغ» را رقم زد تا عملیات سفیدشویی به سرانجام برسد.

- زذالت از نمای نزدیک

«بامداد خمار» دیگر سریال پر مخاطب هفته های اخیر شبکه خانگی است که از قاعده مشابهی پیروی می‌کند. ساخته جدید نرگس آبیار، هم با دوربین و هم با لحن روایتش، شخصیت اصلی قصه یعنی محبوبه را مورد حمایت قرار داده؛ شخصیتی که سه خواستگار و آبروی پدرش را بازیچه کرده و پس از حدود بیست قسمت، تازه یادش آمده است که باید نظرش را بر زبان بیاورد. با این حال، سازندگان «بامداد خمار»، با استفاده از دیالوگ های توجیهی و کلوزآپ های همدلی برانگیزی که به ترلان پروانه تقدیم می‌کنند، تمام تلاش خود را صرف تظہیر رفتارهای بیمارگونه این شخصیت کرده اند.

- قدیس شهر آشوب

عجیب ترین نمونه فروپاشی اخلاقی در شبکه خانگی ا، طی ماه های اخیر، توسط حامد عنقا و سریال «بدنام» رقم خورده، مجموعه پر حاشیه ای که با قدرت به عادی سازی بی اخلاقی کمر بسته است و شخصیت پلدا را، با رفتارهای باورنکردنی اش، در بسته بندی یک فرشته معصوم ورنج کشید، به مخاطب می فروشد. این شخصیت که هم زمان مشغول بازی دادن سه مرد مختلف از سه نسل است، مورد حمایت کامل فیلم ساز قرار گرفته است و روند قصه حتی به مخاطب مجال قضاوت درباره رفتار شنیع او را هم نمی دهد. عنقا که در عرصه سریال سازی ایرانی به بندبازی روی خطوط قرمز شهره است، تعدما گذشته شخصیت پلدا را از دید بیننده پنهان کرده و با تکرار کلیشه هایی مانند «داشتن زندگی سخت»، رفتارهای او را ماست مالی می‌کند. شخصیت پلدا، در حالی که به ابراهیم قول



سریال «بامداد خمار»

ازدواج داده و هم زمان در آستانه ازدواج با پسرش اسماعیل بود، اهتمام ویژه ای هم بر استفاده از خانه و ماشینش داشت که مرد دیگری به نام عماد برایش خریده بود و تا زمانی که مجبور نشد، کلیدها را تحویل نداد.

- مثلث های فوق لاکچری

جدای از این موارد، دو عنصر «چندضلعی عشقی» و «نمایش زندگی لاکچری» نیز عوامل دیگری هستند که تکرارشان به خصایل ردیانه شبکه خانگی دامن می زند و تحلیل آن ها مستلزم پژوهش های جدی و بنیادین در ذات زیست اخلاقی جامعه ایرانی معاصر است. اگر فهرستی از سریال های سه چهار سال اخیر شبکه خانگی تهیه کنیم، احتمالا بیش از هشتاد درصد آن ها به نحوی از مقوله رقابت عشقی بهره برده اند و مثلث عشقی پیرنگ اصلی بیش از نیمی از این آثار را تغذیه کرده است. این وضعیت نمایشی کلاسیک ابزاری است برای جذب مخاطب با الگوهای اینستاگرامی و سریال های ترکی که، به شکل مایوس کننده ای، هنوز در فضای درام ایرانی کار می‌کند.

از سوی دیگر، مشخص نیست چرا سازندگان سریال های خانگی بر چسباندن قصه های خود به خانواده های فوق متمول، اصراری افراطی دارند؛ گویی طبقات متوسط و فرودست، اساسا ماشین های کارگری فاقد قصه هستند و ماجراهای جذاب فقط در زندگی آدم های دهک دهم رخ می دهند.

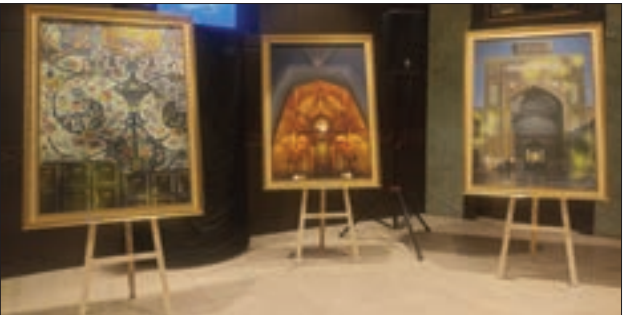
مروری بر سریال های پلتفرمی نیمه نخست امسال نشان می دهد که «هزار و یک شب»، «بدنام»، «بی عاطفه»، «بامداد خمار»، «گوری» و حتی به نحوی «کلاغ»، همگی در جهان خانواده هایی طراحی شده اند که در بالاترین سطح اقتصادی قرار دارند. این انتخاب نمایشی در جهان اخلاقی تهی از معنای ما خودش یکی از مصادیق فروپاشی اخلاق است. کاملا طبیعی به نظر می‌رسد که اقشار متصل به هسته سخت قدرت و ثروت، خواه خان و خانواده در «بامداد خمار»، باشند. خواه تجاری مثل ابراهیم میرافشار در «بدنام» و خواه مأمور رده بالای ساواک در «کلاغ»، از فرط تمول و صاحب نفوذ بودن، دغدغه ای جز نفس کش طلبیدن در چندضلعی های عشقی نخواهند داشت.

بدین ترتیب، یکی از بزرگ ترین بحران های چندضلعی های عشقی نخواهند داشت. امروز جامعه ایرانی به نحوی که در شبکه خانگی منعکس می شود، فروپاشی تدریجی اخلاق عمومی است؛ بحرانی که در آن، ضدقهرمان در پوست مظلوم فرو رفته و شلثاق های خارق عادتش توجیه می شوند. شاید وقت آن رسیده باشد که ممیزی به سبک سنتی را کنار گذاشته و وارد طرح سوالات سخت و بنیادین از نسبت اخلاق، درام و جامعه شویم.

نگارستان

گزارشی از نمایشگاه عکاسی «ظهور نور» از آثار مجید بندارمقدم که در کتابخانه قلم برپاست

ضیافتی از نور و اندیشه



ریحانه موسوی| **مجید بندارمقدم** از جمله هنرمندانی است که این روزها با مجموعه «ظهور نور، در کتابخانه قلم حال و هوایی تازه به فضای فرهنگی و هنری شهر بخشیده است. عکس هایی که این هنرمند از حرم مطهر رضوی ثبت کرده است، فرصتی برای رویارویی با نوری است که از دل فرم و رنگ بیرون می زند. گویی هنرمند رد قدم های امام رضا^(ع) را در نور، تکه ای از طاق، آینه و انعکاس گنبد نشان داده است. در ادامه گفت وگویی ما با این هنرمند و صحبت های دو تن از اهالی فرهنگ و هنر در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه پیش روی شماست.

- نور در تصویر

مجید بندارمقدم درباره برگزاری این نمایشگاه گفت: «ظهور نور» شامل بیست قطعه عکس از حرم مطهر رضوی است. هدفم این بود تا نمایشی از حضور امام رضا^(ع) را در تصویر داشته باشم. عکاسان خوب، بارها و بارها زیبایی های حرم را ثبت کرده اند، تمام تلاشم این بود تا ارتباطی که بین مخاطب و امام رضا^(ع) شکل می‌گیرد، یک ارتباط احساسی و روحانی را به نمایش بگذارم. ما امام رضا^(ع) را به صورت فیزیکی نمی بینیم، اما معتقدم با انرژی مثبت وارد حرم شده و از آنجا خارج می شویم. حضور امام رضا^(ع) این انرژی را به زائران انتقال می دهد. وی با اشاره به اینکه نور تنها ابزاری بود که توانسته است به وسیله آن حضور امام رضا^(ع) را در جای جای حرم به نمایش بگذارد و این مجموعه را خلق کند، توضیح داد: بیست سال در تلاش بودم تا زمان مناسبی را برای عکاسی در حرم داشته باشم؛ هیچ وقت پیش نیامد که چند روز فرصت عکاسی به دست آورم. همیشه در حد دو تا سه ساعت به ما زمان می دادند که نمی توانستم در این مدت کوتاه آنچه که باید را به نمایش بگذارم. این بار برای سه روز عکاسی در حرم به ما مجوز دادند. اما پنج روز در حرم ماندم، من و دیگر دوستان عکاسم پلاک ورود به حرم را داشتیم و در این روزها هیچ کسی مانعی برایم ایجاد نکرد. در حالی که از سایر دوستانم مجوز می خواستند. بندار مقدم وضعیت عکاسی در مشهد را بسیار خوب دانست و اظهار کرد: هنرمندان فعال هستن، اما به نظرم آنچه که باید به عنوان عکاسی بیاومزد، شکل نمی‌گیرد. ما «عکاس هنری» و «هنرمند عکاس» داریم؛ به زعم من هنرمندان عکاس در شهر ماکم هستند. عکس های هنری زیادی گرفته می‌شود، که صرفا به خاطر جشنواره ها و نمایشگاه هاست. هیچ کسی پیگیر ریشه عکاسی نیست و اگر هستند تعداد آن ها محدود است.

- نشانه ای برای اهل معرفت

در حاشیه برگزاری این نمایشگاه پرویز روحبخش گوینده و پیشکسوت رادیو نیز گفت: کسی که می خواهد عکس خوب تماشا کند باید آن را بشناسد؛ همان طور که خواننده داستان و شعر نیز باید این گونه باشد. شتونده های رادیو و تلویزیون نیز باید گوینده ها را بشناسند. وی درباره نمایشگاه ظهور نور ابراز کرد، چندین عکاس در حرم مطهر حضور داشتند و عکاسی آن ها پنج روز به طول انجامیده است؛ اما محدودیت های موجود در حرم شامل حال مجید بندار مقدم نشده، چرا که به یک باره خود را در نقاره خانه یافته است. این نشانه ها برای اهل معرفت بسیار زیباست. او تابلو هایی در ابعاد ۱۶۰ در ۱۱۰ سانتی متر را در معرض دید علاقه مندان قرار داده، که بی نظیر و ماندگار هستند.

- توقف زمان به احترام نور

جعفر نجفی عکاس پیشکسوت مشهدی نیز در مراسم افتتاح این نمایشگاه گفت: در هنگامه ای که شتاب روزها، فرصت نگریستن را از انسان می ستاند. هنوز لحظه هایی هستند که زمان به احترام نور از حرکت باز می ایستد. عکس تنها ثبت یک تصویر نیست؛ تجلی گفت وگویی خاموش نور، زمان و جان انسان است. وی هر قاب را روایتی دانست که با چشم دیده می شود، اما تنها با دل فهمیده می شود. روایتی که حقیقت را نه در هیاهوی واژه ها، بلکه در سکوت نگاه آشکار می سازد. این عکاس ادامه داد: نمایشگاه پیش و صرفا گرد همایی عکس ها نیست، ضیافتی است از نور و اندیشه. دعوتی است به تأمل و مجالی می باشد برای دیدار با لحظه هایی که هرگز تکرار نخواهد شد. اینجا هر عکس پنجره ای است به جهانی که در خاموشی سخن می گوید و در روشنایی معنا می آفریند. نجفی در پایان بیان کرد: من در زمان گرفتن این عکس ها همراه مجید بندار مقدم بودم، چهار روز مجوز عکاسی در حرم داشتیم. در صورتی که مجوزها دو ساعته است. این هنرمند تنها بخش کوچکی از عکس های خود را به نمایش گذاشته است.

تماشاخانه

«اسفندیار رعد خون» در صدر فروش



الهام (اسماعیلی) هفته گذشته، (از ۱۷ تا ۲۳ مردادماه) نمایش های روی صحنه در مشهد در مجموع ۵هزار و ۱۴۱ بلیت فروختند که نمایش «اسفندیار رعد خون» با فروش ۳هزار و ۳۹۵ بلیت، بیشترین میزان استقبال مخاطبان را به خود اختصاص داد. به گزارش شهرآرانیوز، پس از این نمایش، «مرگ یزدگره» با فروش ۷۸۸ بلیت در جایگاه دوم قرار گرفت. نمایش «حشره کش» نیز با فروش ۴۵۰ بلیت، سومین نمایش پرفروش هفته گذشته بود. نمایش «پروکتل خرگوش» در این مدت ۲۱۶ بلیت فروخت و «برما» نیز با فروش ۱۰۴ بلیت، دیگر آثار نمایشی روی صحنه در این هفته بودند.

چارسوق هنر

«علی نصیریان» مهمان برنامه «هم کلام» می شود



علی نصیریان خالق نقش های ماندگار و آثاری چون «هزارستان»، «شیر سنگی» و «بوی پیراهن یوسف» در نخستین برنامه «هم کلام» که ساعت ۸ صبح امروز یکشنبه ۲۵ مرداد از شبکه نمایش خانگی پخش می شود، از زندگی و هنر برای مخاطبان می گوید. در این برنامه گفت وگو محور به کارگردانی سالار پهلرانی و تهیه کنندگی کوشا دهقان، مجری برنامه فرزاد فرید جعیه زندگی مهمان را باز می‌کند تا او روایتگر قصه و خاطرات شخصی و حرفه ای خود باشد. در «هم کلام» برای نخستین بار از هوش مصنوعی استفاده کاربردی شده تا مخاطبان بدانند روایت زندگی مهمان شبیه کدام یک از کتاب های ادبیات داستانی است.